

کنوزالمطالب
فی کشف رموز المكاسب
شرحی نو بر مکاسب شیخ انصاری
(جلد نهم)

محمد مهدی اسلامی
استاد حوزه و دانشگاه

۱۵۸۵۵۵۶

انتشارات مناره



انتشارات مناره

MINAREH PUBLICATIONS

سرشناسه: اسلامی، محمد مہدی، ۱۳۴۸
عنوان و نام پدیدآور: کنوز المطالب فی کشف رموز المکاسب؛
شرحی نو بر مکاسب شیخ انصاری / محمد مہدی اسلامی
مشخصات نشر: انتشارات منارہ، ۱۳۹۶
شابک دورہ: ۹-۶-۹۹۶۱۲-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰
شابک: ۸-۳-۹۹۶۱۲-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ (ج. ۹)
ردہ بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۲
ردہ بندی کنگرہ: ۱۳۹۵ ۷۰۴۲۲۲ م۸ الف ۱/۱ BP۱۹۰/
شمارہ کتابشناسی ملی: ۴۴۸۱۲۲۷

عنوان: کنوز المطالب فی کشف رموز المکاسب (جلد نہم)
مؤلف: محمد مہدی
محقق: سید احمد سجادی
ناشر: انتشارات منارہ
تاریخ نشر: ۱۳۹۶
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۵۰۰
قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال
تلفن مرکز بخش: ۰۲۱۵۵۶۵۱۶۵۳-۰۹۱۲۵۲۴۲۲۷۴
www.menarehpub.com

فهرست

Contents

۱۵	پیشگفتار
۳۱	درس دویست و نود و هفتم
۳۱	ادامه بحث علم اجمالی و شبهه محصور در شبهه ناک
۴۱	درس دویست و نود و هشتم
۴۱	بحث در محدوده دلالت صحیحه آبی و لاد
۵۳	درس دویست و نود و نهم
۵۳	ادامه بررسی روایات، در اخذ جایزه از جائر
۶۳	درس سیصد و یکم
۶۳	جمع بندی نهانی بحث علم اجمالی و شبهه محصوره در جایزه ظالم
۷۵	درس سیصد و یکم
۷۵	حکم صورت ثالثه: علم تفصیلی به حرمت جایزه
۸۴	درس سیصد و دوم
۸۵	ادامه بحث علم آخذ به حرمت مال مأخوذ، پس از وقوع در ید او

درس سیصد و سوم	۹۷
ادامه بحث وجوب فحص بر آخذ، در مال مجهول المالك	۹۷
درس سیصد و چهارم	۱۰۷
اجرت یا هزینه فحص، و وجوه اشتراك مجهول المالك با لُقطة	۱۰۷
درس سیصد و پنجم	۱۱۷
حكم تصدّق به مال مجهول المالك	۱۱۷
درس سیصد و ششم	۱۲۷
ترّد بین صدقة و دفع مال مجهول المالك به حاكم شرع	۱۲۷
درس سیصد و هفتم	۱۳۷
مُستحقّ صدقه در مال مجهول؛ و بحث ضَمان پس از ظهور مالک	۱۳۷
درس سیصد و هشتم	۱۴۹
ادامه بحث ضَمان، پس از ظهور مالک و عدم رضایت او به تصدّق	۱۴۹
درس سیصد و نهم	۱۵۷
فروع متفرقه در بحث ضَمان مُتصدّق بمجهول المالك	۱۵۷
درس سیصد و دهم	۱۶۷
حكم صورت چهارم: علم اجمالی به وجود حرام در جایزه سالم	۱۶۷
درس سیصد و یازدهم	۱۷۵
تکمیل بحث شیخ انصاری در صورت رابعه توسط آیت الله خوئی	۱۷۵
درس سیصد و دوازدهم	۱۸۵
خاتمه مبحث جوائز سلطان	۱۸۵
درس سیصد و سیزدهم	۱۹۷
خراج و مُقاسمة	۱۹۷

۲۰۷	درس سیصد و چهاردهم
۲۰۷	بررسی روایات دالّه بر جواز اشتراء از سلطان جائز
۲۱۷	درس سیصد و پانزدهم
۲۱۷	ادامه بحث در مدلول صحیحه حذاء
۲۲۷	درس سیصد شانزدهم
۲۲۷	ادامه بررسی روایات در جواز اخذ و شراء از عمال ظلمه
۲۳۷	درس سیصد و هفدهم
۲۳۷	روایات مؤید حکم جواز اخذ و شراء از عمال ظلمه
۲۴۷	درس سیصد و هجدهم
۲۴۷	ادامه بحث در اشتراط اخذ سلطان در جواز شراء اموال خراجیه
۲۵۵	درس سیصد و نوزدهم
۲۵۵	تنبيه دوم: سلطه جائز بر اموال خراجیه
۲۶۷	درس سیصد و بیستم
۲۶۷	ادامه بررسی ادله جواز امتناع از اداء خراج به جائز
۲۷۹	درس سیصد و بیست و یکم
۲۷۹	ادامه بحث تولی فقیه و عدم جواز منع خراج از جائز
۲۸۹	درس سیصد و بیست و دوم
۲۸۹	قول شهید ثانی و کاشف الغطاء در حرمت و جواز منع خراج از جائز
۳۰۱	درس سیصد و بیست و سوم
۳۰۱	تنبيه سوم: آیا جلالت خراج و مقاسمه شامل اراضی اُنفال هم می شود؟
۳۱۱	درس سیصد و بیست و چهارم
۳۱۱	تنبيه چهارم: مراد از حاکم جائز کیست؟

- درس سیصد و بیست و پنجم ۳۲۱
- ادامه تنبیه چهارم: بحث حاکم جائز شیعی و حاکم کافر ۳۲۱
- درس سیصد و بیست و ششم ۳۳۱
- تنبیه پنجم: مذهب و اعتقاد رعیت خراج دهنده ۳۳۱
- درس سیصد و بیست و هفتم ۳۳۹
- تنبیه ششم: میزان و مقدار خراج ۳۳۹
- درس سیصد و بیست و هشتم ۳۴۷
- تنبیه هفتم: شرط استحقاق برای گیرنده اموال خراجیه از سلطان ۳۴۷
- درس سیصد و نهم ۳۵۷
- تنبیه هفتم: اشکال رجلیت زکات مأخوذه یا موهوبه از حاکم جائز ۳۵۷
- درس سیصد و سی و نهم ۳۶۵
- تنبیه هشتم: امور ثلاثه برای اثبات خراجی بودن زمین ۳۶۵
- درس سیصد و سی و یکم ۳۷۳
- ادامه تنبیه هشتم: مفتوح العنوة بودن عراق، و شرط در اعتبار قول مورخین ۳۷۳
- درس سیصد و سی و دوم ۳۸۱
- اثبات مفتوح العنوة بودن، به سیره مسلمین یا حمل بر صحت گزارشات ایشان ۳۸۱
- درس سیصد و سی و سوم ۳۹۱
- حمل تصرف مسلمین بر صحت؛ و شرط اذن امام (ع) در فتح زمین ۳۹۱
- درس سیصد و سی و چهارم ۴۰۳
- سیره ائمه اطهار [ع] در اراضی مفتوحه پس از پیامبر اکرم [ص] ۴۰۳
- درس سیصد و سی و پنجم ۴۱۱
- شرط سوم در اثبات خراجی بودن زمین: مُحیّاة بودن آن در حال فتح ۴۱۱

۴۱۷	درس سیصد و سی و ششم
۴۱۷	اثبات محیة بودن ارض
۴۲۵	درس سیصد و سی و هفتم
۴۲۵	اثبات محیة بودن ارض
۴۳۳	منابع

www.ketab.ir

پیشگفتار

چون افتتاح این دفتر، مصادف با فرخنده شب عید سعید غدیر شد چند حدیث شریف علوی (علیه السلام) در اهمیّت فقه و احکام مکاسب ذکر می شود.

قال علی (علیه السلام) : مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ فَقَدْ ارْتَضَمَ فِي الرُّبَا؛ هرکس بدون آگاهی از فقه، اقدام به کسب و تجارت کند، گرفتار ربا می گردد.

إِنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُرِيدُ التَّجَارَةَ. قَالَ (عليه السلام): أَفَقِهُتَ فِي دِينِ اللَّهِ؟ قَالَ: يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ. قَالَ (عليه السلام): وَبِئْسَ! الْفَقْهُ ثُمَّ الْمُتَجَرُّ؛ فَإِنَّهُ مِنْ بَاعٍ وَاشْتَرَى وَ لَمْ يَسْأَلْ عَنْ حَرَامٍ وَلَا حَلَالٍ، ارْتَضَمَ فِي الرُّبَا، ثُمَّ ارْتَضَمَ.^۱؛ مردی نزد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمد و عرض کرد: می خواهم تجارت پیشه کنم. حضرت فرمودند: آیا احکام فقه دین خدا را دانسته ای؟ مرد گفت: (اِنْ شَاءَ اللَّهُ) بعد از این خواهم آموخت. حضرت فرمودند: وای بر تو! اول فقه، آنگاه تجارت؛ زیرا هرکس بفروشد و بخرد و از مسائل حرام و حلال آن نپرسد، در کام ربا و حرام فرو افتد، و بد فرو افتد!

قال علی (عليه السلام) : مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ تَوَرَّطَ فِي الشُّبُهَاتِ^۲ هرکس بدون آگاهی، تجارت کند، در وَرَطَه (گودال گل و لای) شبهه ها گرفتار آید.

۱. غُرُزُ الْحِكْمِ وَ دُزُرُ الْكَلِمِ، عبد الواحد آمیدی، دارالکتاب الإسلامی، ص ۶۱۳ ش ۷۵۱

۲. مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، محدث نوری (ره)، ج ۱۳ ص ۲۴۷

۳. مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، محدث نوری (ره)، ج ۱۳ ص ۲۴۸

شرح حال مختصری از مصنف کتاب مکاسب، مرحوم شیخ مرتضیٰ انصاری^(ره)

ترجیح دادیم که شرح حال آن بزرگوار را از قلم مرحوم مدرّس تبریزی در زیحانة الأدب نقل کنیم، که مدت ۱۲ سال، زاهدانه و گمنام، در حجره‌ای در جنب مدرسه علمیّه مروی، در مدرسه سپهسالار قدیم مشغول تألیف این کتاب و دیگر کتب بود:

«شیخ مُرتَضَیٰ بن محمد امین شوشتری، دزفولی المُولِد و المَنشَأ، نجفی المَسکِن و المَدَفِن، انصاری القبیلة و الشَّهرة، افضل علمای راسخین و اکمل فقهای ربّانیّین، خاتم الفقهاء و المجتهدین... نسب شریفش به جابر بن عبدالله انصاری موصول می‌شود. در سال ۱۲۱۴ ق در شهر دزفول از توابع شوشتر متولد شد، در نزد عموی خود شیخ حسین که از اکابر علمای آن شهر بوده تا حدود بیست سالگی به تحصیل علم پرداخت، پس در مصاحبت وادماح خود به زیارت ائمه عراق^(علیه السلام) رفت.

در کربلا، ملّی به زیارت سید مجاهد (سید محمد طباطبائی) صاحب مناهل - که او به شریف العلماء مازندرانی، دو رئیس مذهبی وقت بودند - رفت. در مجمع جمعی از فضلاء بعضی از مسائل علمیه مطرح و مذاکره شد، که هر یک از ایشان موافقه نمودند. بعد اظهار عقیده می‌کردند، در خاتمه شیخ مرتضی^(ره) هم اظهار عقیده کرده و بپارزوی ادای مطلب نمود که مورد شگفتی و حیرت سید مجاهد واقع گردید، پس سید مجاهد پدر شیخ را فرمود که: «شما بعد از زیارت، به وطن خودتان بردشتن و امر را بگذارید که به تحصیلات علمیه بپردازد»، او هم اطاعت نمود.

شیخ، تا چهار سال بعد از مراجعت پدر، حاضر در درس سید مجاهد و شریف العلماء می‌شد، تا آنکه "داود پاشا" والی بغداد، از طرف سلطان روم (عثمانی) به محاصره و تسخیر کربلا مأمور شد و در نتیجه، محصلین و علماء و اکثر مجاورین آن ارض اقدس به بلده کاظمین (علیه السلام) مهاجرت

کردند، شیخ هم در جمله مهاجرین، چند روزی در آنجا اقامت کرد تا آنکه با جمعی از اهل وطن خود - که به زیارت عتبات آمده و به جهت عدم امکان زیارت کربلا عازم مراجعت بودند - به وطن خود رفته و دو سال اقامت کرد؛ باز برای تکمیل تحصیلات علمیه مراجعت به عراق را تصمیم داد... [پس دوباره] شیخ عازم عراق گردید، یک سال نیز حاضر در درس شریف العلما بود، سپس به نجف رفته و در حوزه فقیه محقق «شیخ موسی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء»^(۹) حاضر شد و به فاصله دو سال باز به وطن خود رفت و بعد از دو سال دیگر عازم زیارت مشهد مقدس رضوی^(علیه السلام) گردید، و در کاشان با صاحب مناہج که رئیس کل علمی آن سامان بوده ملاقات نمود، سه سال هم در آنجا اقامت کرد و تصنیف و مباحثه اشتغال ورزید، صاحب مناہج نیز مقدم او را غنیمت شمرد و مباحثات علمی با او را مایل بود و به مراتب فضل وی اعتماد کامل داشت و می گفت که: «در این همه مسافرت های مختلفه، پنجاه تن عالم مجتهد دیده ام که هیچ یک از ایشان مانند شیخ مرتضی^(۱۰) نمی باشد.»

جریان مرجعیت شیخ انصاری^(۱۱)

شیخ بعد از سه سال، به مشهد مقدس رفت، چند ماهی هم در آن ارض اقدس اقامت کرد، باز به وطن خود برگشت. به فاصله پنج سال دیگر، با مرتضی عازم نجف اشرف گردید، اهالی برای ممانعت از عقب وی رفتند ولی اصرارشان سودی نداشت، عاقبت با نذر کردن زیارت ائمه عراق^(علیه السلام) اعتذار جست، در سال ۱۲۴۹ ق در اوقات ریاست علمی صاحب جواهر (شیخ محمد حسن نجفی) و شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء (محقق ثالث) وارد عراق شد، چند ماهی در حوزه درس شیخ علی (محقق ثالث) حاضر گردید، بعد از آن دیگر حاضر در هیچ حوزه نشد و بطور استقلال بنای تدریس و تصنیف گذاشت تا آنکه شیخ علی هم وفات یافته و به فاصله چند سالی صاحب جواهر نیز در سال ۱۲۶۶ ق بدرود جهان گفت و ریاست مطلقه علمیه مذهبیّه بدون معاون و مشارک بدو منتهی شد و آوازه علم و فضل و زهد

و ورع و تقوی و عبادت او در تمامی بلاد شیعه انتشار یافت و مرجع تقلید تمامی شیعه مذهب‌ان گردید.

صفات و مقام علمی شیخ انصاری^(ره)

در حفظ، سرعت انتقال، استقامت ذهن، حلّ اشکالات علمیه، شهامت نفس و بلندی همت، وحید عصر خود بود؛ بلکه در قرون و ادوار گذشته نیز کمتر قرینی داشته است. در علم اصول فقه، تأسیسی کرد که در آن رشته مبتکر [بوده] و نظیر آن دیده نشده است...

شدت زه و تقوای شیخ انصاری^(ره)

اکثر بوهات شرعیه را از اطراف و اکناف تمامی بلاد شیعه بر حضرتش می‌فرستادند و همه آنها را به فقهاء و ارباب استحقاق و مصارف دینیه می‌رسانید و خودش مثل یکی از ایشان امرار حیات می‌نمود. و در ضربات خود، تنها به اندازه یک فقیر مقتصد صرف می‌کرد، تا جائیکه دو دخترش بعد از ضربات از بدرت قیام به لوازم معمولی اقامه عزرا را نداشتند و یکی از اشراف، شش روز و شب، به تمایس و تلاطم و لوازم مجلس ختم و ترحیم و تعزیه‌داری او قیام نمود. از بعضی مُعتمدین مسموعم افتاد که: «مأمی متروکات وی معادل هفده تومان پول ایرانی بوده! و همان مقدار هم قرض دار بوده است» به نظر این نگارنده (مدرس تبریزی) همین قضیه را شیخ حسن مامقانی در صفحه اول حاشیه مکاسب خود نگاشته است...

بعضی از اصحابش، در موضوع اهتمام تمامی که وی در ایصال حقوق فقراء [به ایشان] داشته تمجیدش نمودند، در پاسخ فرمود که: «این مطلب، رساله فخری و کرامتی نمی‌باشد! زیرا وظیفه هر یک از عوام و مردمان بازاری هم این است که امانت را به صاحبش برسانند، اینها هم حقوق فقرا و امانت ایشان است که من به صاحبانش می‌رسانم.

تألیفات و تصنیفات شیخ انصاری^(ره)

مُصنّفات شیخ مرتضی^(ره) بسیار و در تمامی اقطار عالم در نهایت اشتها هستند، وی دارای تحقیقات رشيقه (زیبا و دقیق) و تدقیقات عمیق بود و مولفاتش مورد اعتناء تام اکابر

علمای اسلام و محلّ استفادهٔ افاضل فقهای اعلام می‌باشد، که با فهم عبارات و حلّ رموز و دقایق آنها افتخار می‌نمایند، و از آن جمله است (به ترتیب الفبا):

۱. اثبات التّسامح فی أدلّة السّنن ۲. الارث ۳. الاستصحاب ۴. أصالة البرائة ۵. التّعادل و التّرجیح ۶. التّقیة ۷. التّیمّم الاستدلالی ۸. حجّیت ظنّ ۹. حجّیت قطع ۱۰. الخمس ۱۱. الرّضاع ۱۲. الزّکوة ۱۳. الصّلوّة ۱۴. الطّهارة ۱۵. المتاجر [أو] المکاسب ۱۶. الموسعة و المضایقة (در وسعت وقت قضاء عبادات، یا ضیق و فوریت آن) و غیر اینها، رساله‌های متفرقه در موضوعات مختلفه دارد و کتاب رجالی هم تألیف کرده که... از وجیزه مجلسی بزرگتر بوده و تقریباً به اندازه خلاصهٔ رزمه می‌باشد. استصحاب و أصالة برائت و تعادل و ترجیح و حجّیت قطع و حجّیت ظنّ، بارها در تبریز، تهران در یک جا چاپ شده و به فرایند اصول موسوم و به رسائل معروف و از کتابهای درسی نهائی می‌باشد.

وفات شیخ انصاری^(ه)

شیخ مرتضی^(ه) شب شنبه شانزدهم جمادی الآخره ۱۲۸۱ ق در ۶۷ سالگی در نجف وفات یافت و در حجرهٔ طرف راست درب قبلهٔ صحن مقدّس مرتضوی^(علیه السلام) در جوار شیخ حسین نجفی^(ه) - که در زهد و صلاح و عبادت نظیرش بوده و سید مهدی بحر العلوم^(ه) آرزو می‌کرده که نماز جنازه‌اش را او بخواند - مدفون گردید.

ماده تاریخ ابجدی وفات و ولادت شیخ

عدد [ابجدی] جمله «ظَهَرَ الْفُسَادُ» (= ۱۲۸۱) تاریخ سال وفات است، و شیخ منصور

برادر خود شیخ مرتضی در تاریخ ولادت و وفات او گوید:

«غدير» (= ۱۲۱۴) سال ولادت و «فراغ» (= ۱۲۸۱) سال وفات اوست.

مدت عمرش شصت و هفت سال بود، و عجیب است که [عدد ابجدی] لفظ «شصت و

هفت» هم معادل رقم ۱۲۸۱ است که سال وفاتش می‌باشد!...^۱